

"دمکراسی یک خواسته دو جانبه است. طلب آن تمرین شما را طلب میکند. انتظار تغییر، شرکت شما را انتظار دارد." ج. ا. ب.

"One of the penalties for refusing to participate in politics is that you end up being governed by your inferiors." Plato

"یکی از زیانهای روگردانی از شرکت در سیاست اینست که آدمهای پست بر شما حکومت خواهند کرد." افلاتون

16 اکتبر 2006

هم میهنان، پارسی دانان، و مخاطبین عزیز:

با درود و سلام، اینروزها حمله به ایران و تجزیه ایران گفتگوی محافل سیاسی و اجتماعی هست. تحلیل غیر رسمی که در زیر مشاهده میفرمایید از آقای دکتر عدلان پارسا پژوهشگر و تلاشگر سیاسی جوانسال ایرانی میباشد. پیش از سکوت سیاسی عدلان پارسا ما هم مانند بسیاری از تشکیلات سیاسی دیگر از رهنمودهای ایشان بهره برده ایم. با عدلان پارسا در دیدگاه سیاسی و اجتماعی تفاوت باور داریم ولی شخصیت و دانش ایشان مورد تایید و احترام ما میباشد. مناسب دیدیم که برای ثبت در تاریخ دیدگاه ایشان را تکثیر کنیم تا آیندگان پس از ویرانی و یا پاره پاره شدن ایران بدانند که میهن پرستان به اندازه توان خود کردند آنچه که میتوانستند!

لازم به یاد آورست که عدلان پارسا از اعضای اولیه جنبش ایران فردا بوده اند. همکاری و رهنمودهای استراتژیستی ایشان در شکل گیری مکتب فکری سیاسی آن جنبش بنیادین بوده است. متأسفانه مدیریت خودکامه ایمان فروتن، جاه طلبی، و نیت بهره وری شخصی ایشان، جنبش را به بیراهه سوق داد. در سال 2004 عدلان پارسا در تماس خود با تلویزیون ماهواره ای و جهانی رنگارنگ در شهر واشنگتن پایتخت امریکا، دمکراسی را به عرصه تمرین گذاشتند و با همکاری دیگر اعضای میهن دوست جنبش، مردم را از نیت پلید ایمان فروتن آگاه کردند.

آیا هدف به مطرح کردن عدلان پارسا را داریم؟ آری! آنجا که امثال ولی نصر، تریتا پارسی، کریم سجادیپور، و رضا اصلان را برای نگاهبانی از حکومت جهل و جنایت مطرح میکنند نیروهای مردمی هم امثال عدلان پارسا ها را برای آزادی ایران و سربلندی ایرانی به میدان میکشند! ما میانه روها و جامعه گرا های مردمی عدلان را نشان کرده ایم زیرا در او شخصیت خدمت به ایران و ایرانی را از دید لیبرالیسم راست او میبینیم. ما میخواهیم که عدلان ساکت نباشد. ما صدا و توان عدلان را در کنار نیروهای مردمی و برای آزادی و عدالت اجتماعی در ایران میخواهیم! سکوت عدلان تشویق سکوت صدها امثال عدلان است.

دمکراسی بدون یک رسانه آزاد بیمار است. ما تلویزیون رنگارنگ را علیرغم همه نارسایی هایی که دارد و علیرغم همه اعتراضاتی که به آن داریم بعنوان یگانه صدای بیواسطه مردم برای تمرین دمکراسی بسوی آزادی ایران و سربلندی ایرانی شناسایی میکنیم. بزرگترین خدمت تلویزیون رنگارنگ توانمند ساختن آدمهای عادی اجتماع، بی نام و نشانها، و تشویق آنها به شرکت در تلاش برای آزادی ایران است. تلویزیون رنگارنگ تنها صدای آزاد مردم در عرصه سیاست ایران است.

**به آگاهی عموم میرسانیم که دکتر عدلان پارسا یک پژوهشگر مستقل میباشد. دکتر عدلان پارسا با جنبش ایران بزرگ هیچگونه ارتباط ندارند و نداشته اند. در راه آزادی ایران و سربلندی ایرانی به خود اجازه میدهیم که نوشتارهای آگاهی دهنده دیگران را با پروانه خود آنها به آگاهی عموم برسانیم. اینبار با توجه به شرایط روز ایران و جهان مقاله دکتر پارسا را جهت پخش مناسب دیدیم.**

روابط عمومی  
جنبش ایران بزرگ

شاید برخی از شما مدتی باشد که از من نامه ای دریافت نکرده باشید و یا مقاله ای از من نخوانده باشید. قریب به دو سال و چندی است که عطای به اصطلاح فعالیت سیاسی را به لقایش بخشیده ام. اما امروز حسی که همواره نسبت به آن می بالیده ام که همان میهن پرستی است، مرا وادار نمود تا سطوری را برای لافل دوستانم بنگارم و از آنان بخواهم که آن را به هر تعداد ایرانی ایران دوستی که می شناسند ارسال دارند. شاید از من بپرسید چرا نامه خود را برای انتشار روانه سایتهای اینترنتی نکردم که در پاسخ شما باید بگویم که دیگر تحمل به انتظار نشستن برای چاپ مطلبی از خود بنا به صلاحدید ابله و کج اندیشی که سایت را مدیریت می کند ندارم. از سوی دیگر ارسال ایمیل و پیام های کوتاه تلفنی در میان ایرانیان رایج تر از مطالعه جراید و سایتهای می باشد. و اما مطلب ...

پیش از خواندن مطلب پیش رو از شما می خواهم که فتیله چراغ تحمل خود را بالا بکشید و نوشته را تا انتها به دقت بخوانید حتی اگر آن را سراپا هجو بدانید. تمامی شما چه علاقمند به سیاست باشید چه نباشید، اخبار خاورمیانه را به دلیل کثرت تکرار آن اگر دنبال نکرده باشید لافل شنیده، دیده یا خوانده اید. همه می دانید که پس از یازدهم سپتامبر دو هزار و یک میلادی در منطقه ای که خاورمیانه می نامند چه گذشته است. همه می دانید که بنیادگرایی اسلامی، تروریسم و هزاران لفظ مد روز چه می باشند. من درباره این مطالب نمی خواهم با شما سخن بگویم، من به دنبال دعوت شما به هواداری جناحی از جناحهای درگیر در این ماجرا نمی باشم. حتی به دنبال تشویق شما در دخالت در عالم سیاست هم نمی باشم. هدف من تنها سخن درباره تهدیدی است که متوجه کشور محل تولد همه شما می باشد. شاید در انتها تمامی گمان های من را یک تئوری وهم آلود آمیخته با تئوری توطئه بدانید اما اگر حتی آن را هم فرض محال هم بدانیم، باز وقوع آن محال نیست.

سخن را با وضعیت کنونی خاورمیانه آغاز می کنم:

- وضعیت در افغانستان رو به وخامت است و شرایط برای بازگشت دوباره طالبان روز به روز مهیا تر می شود. (برای اطلاع از این امر نیازی نیست شق القمر نمایید، اگر تنها لینک افغانستان در سایت فارسی بی بی سی را مطالعه کنید یا اخبار مربوط به افغانستان را در شبکه های جهانی غیر امریکایی دنبال نمایید می توانید سر از ماجرا در بیاورید.) ناتو دامنه عملیات خود را در سرتاسر افغانستان گسترش داده است و همواره هزاران سرباز در افغانستان، سرزمین هزار پاره نتوانسته اند ملا عمر و اسامه بن لادن را بیابند. در حالیکه صدام حسین به طرفه العینی به دنبال تعیین جایزه ای برای محل اختفای او به دام افتاد، برآستی چرا برای آنان چنین جایزه ای تعیین نمی گردد؟ این مردان نامرئی در سرزمینی که به برق سکه ای آدم می فروشند، هنوز تندرست و بالنده سرگرم گذر ایامند و هر از گاهی هم نواری برای انبساط خاطر علاقمندان به مدد شبکه جهانی الجزیره منتشر می نمایند؟!
- وضعیت در عراق روز به روز بحرانی تر می گردد. تا کنون بنا به آمار 655 هزار عراقی جان خود را از دست داده اند. ایالات متحده به دنبال ترک تدریجی عراق است و کارشناسان تحقق این امر را به معنای تجزیه عراق می دانند. کردها در آرامش خاطر، پرچم کردستان را برافراشته اند و روز به روز دهانی کج تر به دولت به اصطلاح مرکزی عراق نشان می دهند.
- مناقشه اتمی ایران و قدرتهای بزرگ به مدد ندانم کاری های دولت ایران و سیاست امریکا، یار آنان، روز به روز بحرانی تر می گردد. تا کنون رئیس جمهور پیامبر ایران هر آنچه که یاران در آن سوی مرزها از او می خواستند انجام داده است. ایران باید تهدیدی جدی برای اسرائیل می بود، که دم از محو اسرائیل زد. ایرانیان باید افراطی ترین مسلمانان جهان شناخته می شدند، فلان سفارت را سنگ باران نمودند و فلان سفیر را برای چهار تکه نقاشی احضار نمودند. خلاصه هر آنچه که شما برای ارائه تصویری مخوف از ایران نیاز دارید برایتان ارائه نمودند. نوش جان و گوارای وجود.

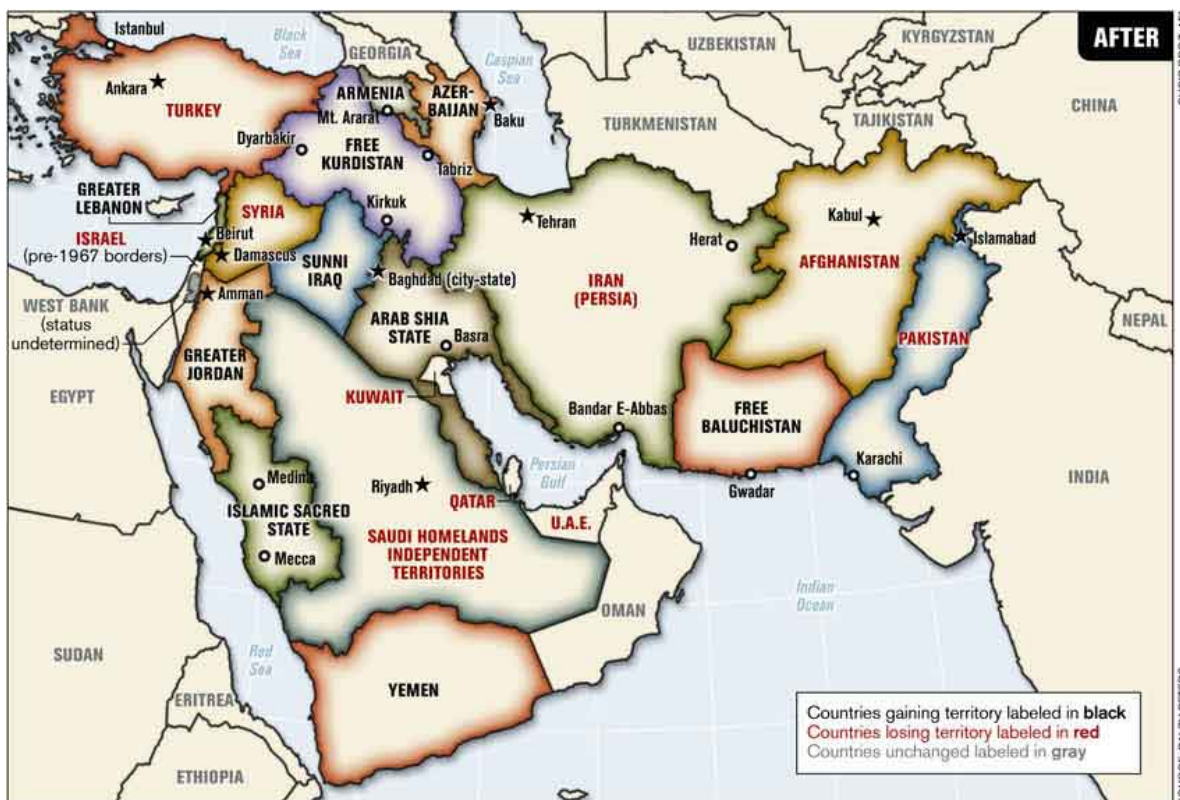
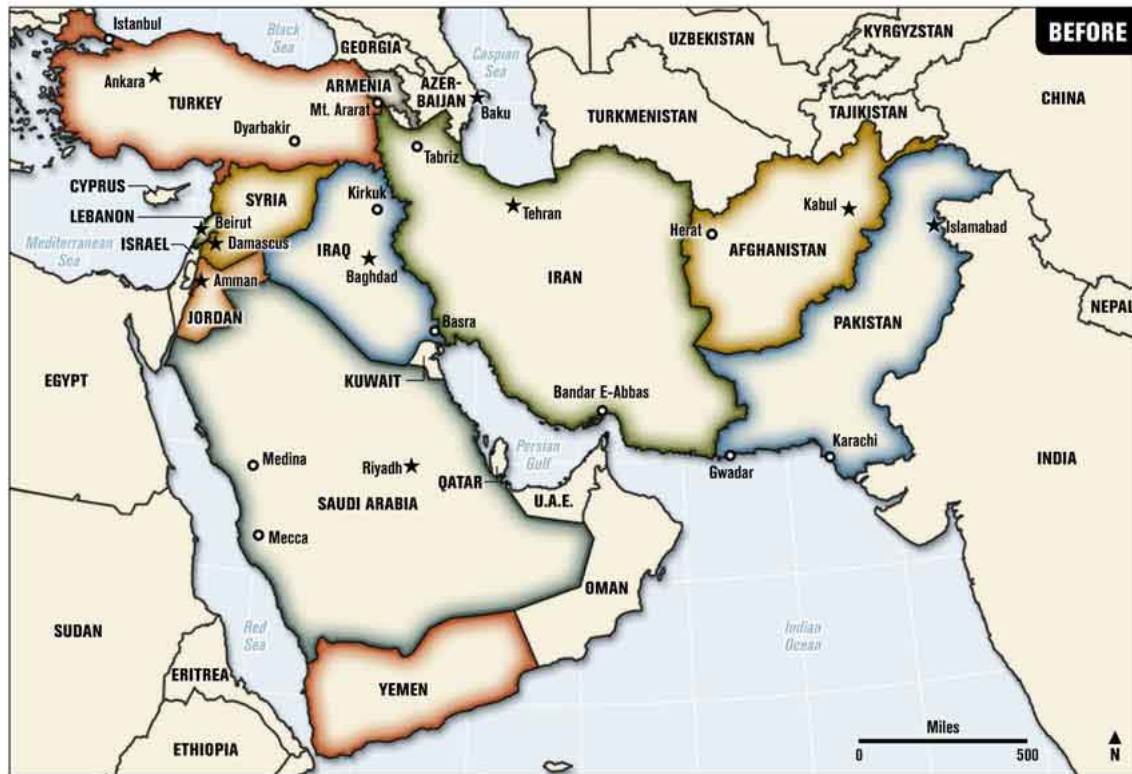
و اما اصل داستان ...

فکر نمی کنم که هیچ یک از شما نام Ralph Peters را شنیده باشد. حق هم دارید. در تلویزیون فارسی صدای امریکا، بی بی سی فارسی، پیک نت، سیمای آزادی، ایران امروز و گویا و یا هر آنجایی که قبله عالم رسانه ای شما می باشد نامی از او برده نمی شود. چرا؟ زیرا آنان کارشناسان خبره خود و مسائل ارزشمند خود را دارند. اما این آقای گرامی کیست؟ یک تحلیل گر و نظامی سابق ایالات متحده که پای ثابت نشریات و تلویزیون های زیر می باشد:

- CNN	Newsweek	The Washington Monthly
- Fox News	The New York Post	The Washington Post
- PBS Television	US Today	Armed Forces Journal
- Army Magazine	Military Review	The Wall Street Journal
- Weekly Standard	Parameters	

البته این آقای محترم پیش از بازنشستگی از خدمت ارتش در بخش اطلاعات نظامی بوده است. نگاهی به رسانه هایی که وی در آنان قلم می زند و گرایش سیاسی آنان (جمهوریخواه) خود مبین اعتبار ایشان در نزد سیاستگذاران است. ایشان اخیرا کتابی تحت عنوان 'Never Quit the Fight' منتشر نموده اند که چکیده ای از آن را در مقاله ای در Armed Forces Journal آورده اند. در طرح ایشان مرزهای موجود در خاورمیانه که جنگ افروز می باشند تحقق صلح در منطقه را غیر ممکن می نماید و به همین منظور نقشه ای جدید برای خاورمیانه ترسیم نموده اند که دست بر قضا دولت ایالات متحده هم در صدد اجرای آن است، جدا چه تصادفی !!!!!

## Redrawing the Middle East map



در این نقشه عراق فعلی به سه کشور و یک دولت شهر (بغداد) تقسیم می گردد. البته این کشورهای جدید بخش قابل توجه از قلمرو خود را از همسایگان خویش می گیرند. برادران کرد دوستان آزادیخواه چپ و راست ایرانی که همواره دوشادوش آنان با نظام حاکم بر ایران جنگیده اند و مثل مار در آستین از مرحله پرتهای ایرانی پرورش یافته اند با دریافت بخشهایی از ایران، ترکیه، عراق و سوریه و برخورداری از منبع نفت در وسعتی پهناور قد علم می کنند تا صحنه ای بر شعاع خود یعنی خودمختاری برای کردستان و دمکراسی برای ایران بگذارند!!!! البته شاید بهتر باشد مردانه هدف اصلی استقلال برای کردستان و تجزیه برای ایران را جایگزین آن نمایند، خوشبختانه ادعای مردانگی آنان که دنیا را کر نموده است. البته شاید شما به این امر اشاره نمایید که رئیس جمهور کرد عراق در جمع خبرنگاران در ایالات متحده عنوان نموده است ما به دنبال استقلال نیستیم چون اگر ادعای آن را نمایم ایران، سوریه، عراق و ترکیه نیازی به جنگ با ما ندارند و تنها مرزهای خود را به روی ما ببندند ما حتی نمی توانیم نفت خود را صادر نمایم. اما باید بدین سیاستمدار کرد متذکر شد که آن که ابله پنداشته تنها خود اوست. دوستان امریکایی وی فکر آنجای آن را هم کرده اند. جدایی آذربایجان ایران و پیوستن به جمهوری آذربایجان راه حل مشکل است. آنوقت آنان می توانند به راحتی از خط لوله ای که ایالات متحده برای صدور قمری نفت و گاز آذربایجان در دست احداث دارد نفت آنان را هم صادر نماید. دوستان آذری هم که در زیر بوق شاهان فارس غزنوی، سلجوقی، صفوی و قاجار قرنهای استعمار گشته اند طعم آزادی را چشیده و به برادران آزاد گشته توسط روسیه تزاری خود می پیوندند. فقط من نمی دانم چرا ما به اشتباه در تاریخ خود این سلسله ها را ترک نامیدیم. البته این از همان سوء نیت های ما می باشد که از تاریخ خود کشور آزاد کردستان را که توسط ما فتح گردیده و در آن نسل کشی ها انجام گشته محو نموده ایم. حتی جمهوری دمکراتیک کردستان و آذربایجان را که در آب گل آلود اشغال متفقین به مدد شوروی در صدد تجزیه ایران بوده اند، تجزیه طلب می دانیم.

اما برادران شیعه عراقی هم به مدد دوستان خود در ایران و امریکا هم لقمه دلچسپی را به دندان خواهند کشید. خوزستان، بخشهایی از عربستان سعودی و بوشهر هم از آن آنان می گردد. این بخت برگشته ها هر چه نفت در آن خطه است صاحب می شوند. عراقی های سنی هم می توانند به شمارش ریگ های عراضی خود پردازند.

در آنسوی ایران بخشهایی از افغانستان که ویرانه است به ایران عودت داده می شود تا مشکل اشتغال کارگران افغان در بخش ساختمانی ایران مرتفع گردد و دیگر پیمان کاران نیاز به پنهان نمودن هموطنان جدید خود نباشند. بلوچستان هم که به انضمام بلوچستان پاکستان می شود یک کشور. اما سایر کشورها:

- اردن به مدد نمکزار های عربستان سعودی بزرگ می گردد تا جا برای اسکان الباقی فلسطینیان که در اسرائیل موی دماغ هستند مهیا گردد. شاید بگویند باز این اسرائیل بخت برگشته را محکوم نمودید. اما جالب این است که بخش کرانه باختری در دستان فلسطینیان در نقشه پیشنهادی به عنوان تعریف نشده آمده است. یعنی الان از آن صحبتی از میان نباید بیاید. البته شاید کسی بداند چرا اسرائیل به کردها در کردستان عراق آموزش نظامی می دهد؟ برای رضای خدا؟ یا انتقال دانش ایجاد کشور در خانه دیگران؟
- یمن هم به یمن کوچک شدن عربستان سعودی بزرگتر می گردد و شهرهای مقدسه مسلمانان با درآمدی میلیاردری ناشی از گردشگری و بازرگانی تمتع و عمره کشوری مستقل می گردد.
- لبنان از شمال می گیرد تا اینقدر در جنوب وز وز نکند.

اما منفعت این امر چیست؟

زمانی شاه فقید ایران را برای خیره سری در تثبیت بالای قیمت نفت کله پا نمودند، و امروز با کثرت اعضای OPEC تشدد آراء و انسجام را بر هم می زنند. اینکه عربستان سعودی هزار پاره باشد یا یک قاره اهمیتی ندارد. اینکه پاکستان کوچکتر گردد هم مهم نیست چون به احتمال قوی چنین امری اصلاً تحقق نمی یابد، که اگر یابد به مدد حداقل 10 سال جنگ است آمار فروش اسلحه را بالا می برد. البته نباید نگران ساحت مقدس اماکن مقدسه عربستان باشید، کسی به دنبال انسداد جریان سرمایه نمی باشد، این بازرگانی هم که خود جای خود را دارد. ترکیه هم اما و اگر بسیار دارد. او عضوی از ناتو است و اعلام جنگ به او به معنای اعلام جنگ به ناتو می باشد. حال چقدر کردها جگر این کار را دارند خدا داند. البته ترکها به سبب مسلمانی خود و اینکه غربیان اصولاً آنان را آدم حساب نمی کنند نباید اینقدر دل به این امر خوش کنند. اما در هر حال تصاحب بخشی از خاک آنان ضرورتی ندارد.

در این میان تنها ایران است که مهم است. براستی چرا ایران نباید انرژی هسته ای داشته باشد؟ شاید می گویند اگر آخوندها بمب اتم داشته باشند دیگر از جایشان تکان نمی خورند. اما من نمی دانم چطور شوروی که ذخایر هسته ای آن برای پنج بار نابودی دنیا کافی بود از هم پاشید! من حتی نمی فهمم که ایران چطور می تواند سوخت اتمی لازم برای بمب را که همه کارشناسان معتقد به تولید آن ظرف ده سال آینده می باشند در عرض یکسال تولید کند. البته شاید من ذاتاً احمقم. البته این مساله را هم که یک نیروگاه غیر نظامی بوشهر چه منفعتی برای آلمانها، ژاپنی ها، چینی ها و روسها تا بحال داشته است را در نظر نباید گرفت. اصلاً اگر ایران سوخت اتمی تولید کند و این انرژی را به همسایگان خود صادر نماید دیگر نفت چه بهایی دارد. کلاً آخوند را چه به انرژی هسته ای مردم آزادی و شغل می خواهند، مگر نه آنکه منتخب محروم ترین بخش جامعه که درآمد نفت را به سفره ها سرازیر نموده است اصلاً به دنبال انرژی هسته ای نیست و گرانی را هم مهار کرده است!!!!

دوستان من واقعیت آن است که نظام ایران چه خوب چه بد، بر ایران حکم می راند و آزادی و دموکراسی به بهای ویرانی خانه به پیشیزی نمی ارزد. البته می دانم که در میان شما افراد بسیاری هستند که با من موافق نمی باشند و حاضرند برای سرنگونی این نظام حتی نامی از ایران نماند. به طور کلی دیگی که برای من نجوشد در آن سر سگ بجوشد. اما من روی سخنم با آنان نیست. من روی سخنم با آن دسته از ایرانیان سیاسی و غیر سیاسی است که به ایران عشق می ورزند و یکپارچگی آن را خواستارند. در آرزوی آن هستند که ایران با تمامی اقوامش طعم آزادی را چشند. ممکن است یک درصد هم حرفهای من تحقق نیابند، اما اگر بیایند چه؟ آیا شرایط برای آن مهیا نیست؟

من نه نژادپرستم نه طرفدار خوکامگی و جنایت، اما می دانم آوارگی و بی خانمانی دردی بی درمان است. حفظ ایران، اکنون بر هر چیز مقدم تر است. حتی بر آن نان شب، دموکراسی و آزادی که ندارید.

با سپاس  
عدلان

---

### پس گفتار:

پس از اثبات ندانم کاربهای پهلوی الهی ها، رجوی الهی ها، لنین الهی ها، مصدقی الهی ها، حزب الهی ها، لیکود الهی ها، و سایر الهی های به اصطلاح اپوزیسیون، مردم آگاه شده اند که خود باید برخیزند و از میان خود مدیریت عملیات نجات ایران را سازمان دهند.

نیروهای آزادی خواه و مخالف جمهوری اسلامی که از درون مردم برخاسته اند تازه وارد میدان مبارزه شده اند. این نیروها هنوز فرصت برخورد با حکومت جمهوری اسلامی را نیافته اند. جنبش ایران بزرگ یکی از این نیروها میباشد.

جنبش ایران بزرگ، امروز و در این مقطع از زمان با حمله به ایران و بمباران تاسیسات زیر ساختی ایران و کشتار مردم بی پناه ایران به منظور خنثی سازی و یا برکناری حکومت جمهوری اسلامی مخالف است. تحلیل میکنیم که در این مقطع از زمان حمله نظامی به ایران به تداوم حکومت جمهوری اسلامی ولو در لباس غیر مذهبی و یا با آدمهای جدید منجر میشود. پرسش میکنیم اگر قرار است حکومت جمهوری اسلامی به کار ادامه بدهد چرا باید به ایران حمله بشود مگر اینکه هدف نابودی ایران و خنثی سازی تمدن و فرهنگ بزرگ ایران و پیشگیری از برقراری یک حکومت ملی و میهنی باشد!

مرکز مطالعات استراتژیک  
جنبش ایران بزرگ